

فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه
سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۲۹-۱۵۴

کلمات مرکب راجی براساس طبقه‌بندی بیستو و اسکالیس^۱

محمود ملکی^۲

دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده^۳

یکی از طبیعی‌ترین روش‌های گسترش و تقویت واژگان در اکثر زبان‌های مطالعه‌شده، روش ترکیب است. هدف این مقاله بررسی فرایند ترکیب در زبان راجی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم توسعه واژگانی، براساس طبقه‌بندی بیستو^۴ و اسکالیس^۵ است. زبان راجی به شاخه مرکزی از دسته زبان‌های شمال غربی تعلق دارد که روزگاری دراز در یک قلمرو گسترده مرکزیت داشته و امروزه نشانه‌های آن در بخشی از مرکز ایران همچون دلیجان، محلات و نراق دیده می‌شود. براساس این طبقه‌بندی، کلمات مرکب زبان راجی را در سه گروه همپایه^۶، توصیفی^۷ و تابعی^۸ و هر گروه را در دو دسته برون‌مرکز و درون‌مرکز و هر دسته درون‌مرکز را براساس راست‌هسته یا چپ‌هسته بودن تقسیم‌بندی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: زبان راجی، فرایند ترکیب، همپایه، توصیفی، تابعی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۲

malekimahmoud@yahoo.com

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۱۸

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۳- این مقاله برگرفته از فصل چهارم رساله دکتری نگارنده است که با راهنمایی استاد دکتر محمد دبیرمقدم تدوین شده است.

4. A. Bisetto
5. S. Scalise
6. coordinate
7. attributive
8. subordinate

۱- مقدمه

فرایند ترکیب یکی از ابزارهای مهم در توسعه واژگان زبان است. تعاریف مختلفی برای کلمه مرکب ارائه شده است که ما نیز به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم. کاتامبا^۹ و استونهام^{۱۰} (۲۰۰۶: ۵۵) کلمه مرکب را این چنین تعریف می‌کنند: «کلمه مرکب حداقل شامل دو پایه است که یا هر دو کلمه و یا تکواژهای ریشه هستند.» تعریف باور (در لیبر^{۱۱} و اشتکور^{۱۲}، ۲۰۰۹: ۲) از کلمه مرکب: «کلمه مرکب حاصل کنار هم قرار دادن یا چند واژه برای ساختن یک واژه جدید است.» اما مارچاند (در همان منبع) معتقد است که کلمه مرکب به عنوان نوع جداگانه‌ای از کلمه‌سازی وجود ندارد. به اعتقاد او دو نوع مقوله اصلی کلمه‌سازی وجود دارد:

الف - بسط^{۱۳}: یعنی کلمات ترکیبی که در آنها هسته (در انگلیسی عنصر سمت راست) یک تکواژ مستقل باشد شامل کلمات پیشوندی مانند «reheat» و کلمات مرکب مانند «steamboat». **ب - اشتقاق:** یعنی کلمات ترکیبی که در آنها هسته یک تکواژ وابسته است مانند کلمات پسوندی. از نظر لیبر و اشتکور (۲۰۰۹: ۵) تعریف باور مطمئن‌تر است به شرطی که تعریف دقیقی از واژه داشته باشیم به طوری که وندها را دربرنگیرد و شامل ریشه‌ها، ستاک‌ها و تکواژهای آزادی که می‌توانند در زبان‌های گوناگون از نظر رده‌شناختی، کلمات را بسازند، شود. آنها برای تمایز بین واژه‌ها و غیر واژه‌ها دو معیار ارائه دادند:

الف - معیار معنایی: ریشه‌ها نسبت به وندها بار معنایی بیشتری دارند.

ب - معیار صوری: ریشه‌های مقید می‌توانند به صورت مستقل هم وجود داشته باشند ولی وندها نمی‌توانند.

9. F. Katamba
10. J. Stonham
11. R. Lieber
12. P. Štekauer
13. expansion

آن‌ها در ادامه به نقل از دونالیس^{۱۴} معیارهای زیر را برای کلمه مرکب نامیدن ترکیبی از واژه‌ها ارائه می‌دهند:

- ۱- ترکیبی باشند.
- ۲- بدون استفاده از وندهای کلمه‌ساز ساخته شده باشند.
- ۳- از نظر املائی سر هم نوشته شوند.
- ۴- دارای الگوی تکیه‌ای خاصی باشند.
- ۵- دارای عناصر پیوندی^{۱۵} باشند.
- ۶- به صورت کلی تصریف شوند یعنی وندهای تصریفی درون آن‌ها نیابند.
- ۷- از نظر نحوی جدایی ناپذیر باشند.
- ۸- جزایر نحوی - معنایی باشند.
- ۹- واحدهای مفهومی باشند.

سپس لیبر و اشتکور (۲۰۰۹: ۶-۲۱) با بررسی این معیارها به این نتیجه می‌رسند که هیچ معیار قابل اعتمادی برای تمایز بین کلمات مرکب و گروههای نحوی وجود ندارد و بنابراین باید کلمات ترکیبی را به صورت یک زنجیره در نظر بگیریم که بعضی به کلمات مرکب شباهت بیشتری دارند و بعضی شباهت کمتری، بدون اینکه بتوانیم مرزبندی قاطع و دقیقی داشته باشیم.

یکی دیگر از مباحث مهم در بررسی کلمات مرکب، جایگاه هسته در این کلمات است. ویلیامز^{۱۶} (۱۹۸۱) معتقد است که در تمام کلمات مرکب، هسته همیشه عنصر سمت راست است؛ اما زبان‌شناسان دیگری مانند سلکورک^{۱۷} (۱۹۸۲)، لیبر (۱۹۸۳)، فاب^{۱۸} (۱۹۸۸)، تن‌هکن^{۱۹} (۱۹۹۹) با مطالعه زبان‌هایی مانند ویتنامی و فرانسوی و در نهایت لیبر و اشتکور (۲۰۰۹) با گردآوری مطالعات انجام‌شده بر روی ده‌ها زبان

14. Donalies
15. linking elements
16. E. Williams
17. E. Selkirk
18. N. Faab
19. P. Tenhacken

مختلف نشان دادند که هسته کلمه مرکب در بعضی زبان‌ها در سمت راست، در بعضی دیگر در سمت چپ و در بعضی دیگر در هر دو سمت قرار می‌گیرد. آن‌ها عنصر مهم‌تر در کلمه مرکب را هسته نامیدند و راه‌های زیر را برای شناسایی آن ارائه نمودند:

الف - کلمه مرکب تمایل دارد متعلق به همان طبقه‌ای از کلمات باشد که هسته‌اش به آن متعلق است، به عبارت دیگر صفات مرکب دارای هسته صفتی و اسامی مرکب دارای هسته اسمی هستند.

ب - در زبان‌هایی که جنس دستوری دارند، جنس کلمه مرکب معادل جنس دستوری هسته آن است.

ج - طبقه تصریفی^{۲۰} کلمه مرکب از طبقه تصریفی هسته‌اش پیروی می‌کند (باور در لیبر و اشتکور، ۲۰۰۹: ۵۴۷).

د - بخش اصلی معنی کلمه مرکب را هسته آن مشخص می‌کند.

۱-۱- طبقه‌بندی کلمات مرکب

بیستو و اسکالیس در مقاله‌ای تحت عنوان «طبقه‌بندی کلمات مرکب» که با همین عنوان در بخش سوم کتاب لیبر و اشتکور (۲۰۰۹: ۴۹-۸۲) به چاپ رسید و خلاصه‌ای از آن در اثر لیبر (۲۰۱۰: ۴۶-۴۹) ارائه شده، طبقه‌بندی‌های کلاسیک برای کلمات مرکب را ارائه دادند و سپس طبقه‌بندی معروف خودشان را که به نام طبقه‌بندی بیستو و اسکالیس شناخته شده‌است را به صورت زیر معرفی کردند.

آن‌ها کلمات مرکب را براساس رابطه دستوری بین عناصر کلمات مرکب که به صورت کاملاً آشکار بیان نشده است، طبقه‌بندی کردند. به اعتقاد آن‌ها در گروه نحوی «string of the apron» رابطه دستوری کاملاً آشکار است اما در «apron string» این رابطه کاملاً آشکار نیست و باید به آن رسید. از نظر آن‌ها و براساس معیار رابطه دستوری بین عناصر کلمات مرکب، این کلمات به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف - کلمات مرکب تابعی: رابطه بین دو سازه کلمه مرکب، رابطه هسته متممی است. برای مثال در کلمه مرکب «taxi driver»، «taxi» متمم هسته فعل بنیاد «driver» است.

ب - کلمات مرکب توصیفی: در این نوع کلمات مرکب، عنصر غیر هسته، عنصر هسته را توصیف می‌کند یعنی ویژگی از ویژگی‌های هسته را بیان می‌کند: «blue», «snail mail», «key word», «cheese».

ج - کلمات مرکب همپایه: این کلمات مرکب حاصل عطف بین دو سازه است که هر دو هسته می‌باشند: «painter poet» که هم «poet» است و هم «painter».

اما بلومفیلد معتقد است که به عنوان یک قاعده کلی در کلمه مرکب فقط یک هسته وجود دارد و شاهد او این است که فقط یکی از این دو سازه جمع بسته می‌شوند و در زبان‌های دارای جنس دستوری، جنس کلمه مرکب را جنس هسته تعیین می‌کند.

تمام کلمات مرکب قرار گرفته در این سه طبقه می‌توانند درون‌مرکز یا برون‌مرکز باشند. کلمات مرکب بدون هسته را کلمات مرکب برون‌مرکز می‌نامیم چون هیچ‌کدام از عناصر سازنده آن بار معنایی اصلی را دربر ندارند و به عبارتی مصداق کلمه مرکب همان مصداق یکی از عناصر سازنده آن نیست برای مثال «air head» یک نوع «head» یا یک نوع «air» نیست بلکه شخصی است که در مغزش هیچ چیز به جز هوا نیست و یا «loud mouth» یک نوع «mouth» نیست بلکه به انسان بی‌چاک‌ودهن اشاره دارد. اما کلمات مرکب درون‌مرکز، کلمات مرکب دارای هسته می‌باشند و این هسته است که بار اصلی معنای کلمه مرکب را دربردارد و مصداق کلمه مرکب همیشه همان مصداق عنصر هسته است: «windmill» یک نوع «mill» است و «truck driver» یک نوع «driver».

معمولاً کلمات مرکب نوکلاسیک^{۲۱} که شامل عناصر خاصی به نام شبه کلمه^{۲۲} هستند در طبقه کلمات مرکب تابعی قرار می‌گیرند. انواع کلمات مرکب نوکلاسیک از نوع تابعی عبارتند از:

21. neoclassical compounds

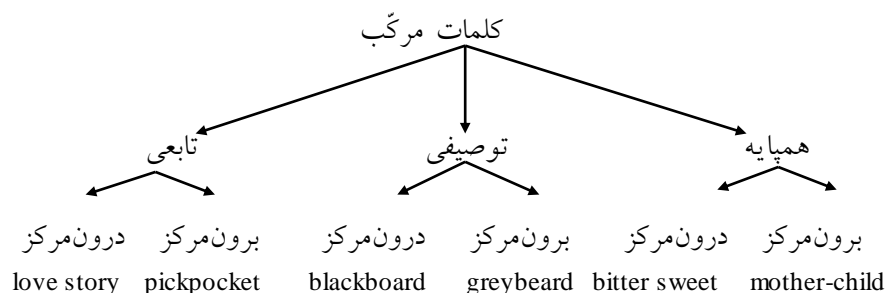
22. semiwords=s/w

SW + SW	SW + N	N+SW
anthropology	hydrophobia	insecticide

بیستو و اسکاليس کلمات مرکب گروهی را نیز در زیرطبقه کلمات مرکب توصیفی قرار می‌دهند چون به توصیف هسته می‌پردازند و قابل جایگزین شدن با توصیف‌کننده‌ها می‌باشند:

[floor of a birdcage] taste
terrible
[punch in the stomach] effect
Painful

به‌طور خلاصه طبقه‌بندی بیستو و اسکاليس را می‌توان در نمودار زیر نمایش داد:



۲- روش و پیشینه تحقیق

روش تحقیق در این مقاله به صورت میدانی - اسنادی از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. برای انجام این تحقیق داده‌های لازم از سه طریق گردآوری شده‌اند:

الف - بررسی منابع مورد نظر اعم از کتاب، واژه‌نامه، مجله و سایر نشریات مکتوب و الکترونیکی، وبلاگ‌ها و سایت‌های اینترنتی در زمینه گویش‌شناسی، با نگاه ویژه به منابع مربوط به گویش‌ها و زبان‌های ایرانی و مخصوصاً مطالب مرتبط با زبان راجی.

ب - مصاحبه مستقیم با طیف گسترده‌ای از گویشوران در سنین مختلف با سطح تحصیلات و مشاغل متفاوت و ضبط و ثبت مکالمات و فیش‌برداری از بحث‌های گروهی آنان.

ج- تدوین و تکثیر پرسشنامه که یا بدون واسطه توسط گویشوران تحصیل کرده زبان راجی و یا با کمک آن‌ها توسط گویشوران فاقد تحصیلات تکمیل گردیده‌است. با توجه به موارد فوق نویسنده در جمع‌آوری داده‌ها علاوه بر شمّ زبان‌شناسی خود، شمّ زبانی گویشوران، مصاحبه مستقیم با گویشوران و تکمیل پرسشنامه‌های تدوین شده، از دو اثر «واژه‌نامه راجی (۱۳۷۳)» و «داستان‌ها و زبان‌زدهای دلیجانی (۱۳۸۷)» تألیف حسین صفری و همچنین پایان‌نامه «بررسی ساخت‌وازی گویش دلیجان» فریبا پیوندی (۱۳۷۷) استفاده کرده‌است.

در اواخر قرن بیستم و ابتدای قرن حاضر مطالعات وسیعی درباره فرایند ترکیب، از جهات مختلف و در زبان‌های مختلف انجام شده‌است که از آن جمله می‌توان به اثر بی‌نظیر لیبر و اشتکور (۲۰۰۹) اشاره کرد. لیبر و اشتکور به بررسی فرایند ترکیب و ارائه تصاویر گوناگون از آن به‌عنوان ابزاری مهم در توسعه واژگان زبان می‌پردازند. آن‌ها از لحاظ نظری فرایند ترکیب را از منظر چارچوب‌های متفاوت زایشی و غیرزایشی و از دیدگاه‌های متفاوت هم‌زمانی، درزمانی و روان‌شناسی زبان بررسی می‌کنند و از لحاظ توصیفی، برای ایجاد فهم بیشتر درباره آنچه که کلمه مرکب را می‌سازد نه تنها به بررسی زبان‌های رایجی مانند انگلیسی، هلندی، آلمانی، دانمارکی، فرانسوی، اسپانیایی، یونانی، لهستانی، ماندارین چینی، عبری، ژاپنی، مجارستانی و اسلاوی می‌پردازند بلکه از زبان‌های کمترشناخته‌شده‌ای مانند موهاکی^{۲۳} از شاخه زبان ایروکوایی^{۲۴}، مایپور و یاویترویی^{۲۵} از شاخه زبانی آراواکی^{۲۶}، مایپوندوگانی^{۲۷} از شاخه زبانی آروکانیایی^{۲۸} و زبان وارلپیریایی^{۲۹} از شاخه زبانی پاما و نیونگانی^{۳۰} نیز غافل نبوده‌اند. با این وجود، زبان‌شناسان معدودی در ایران به این فرایند مهم پرداخته‌اند که

-
23. Mohawk
 24. Iroquoian
 25. Maipure-Yavitero
 26. Arawak
 27. Mapudungun
 28. Araucanian
 29. Warlpiri
 30. Pama-Nyungan

از میان آنها می‌توان به برجسته (۱۹۸۳)، تهران‌نویسا (۱۹۸۷)، حجّت الله طالقانی (۱۳۷۵)، سامعی (۱۳۷۵)، دبیرمقدم (۱۳۷۶)، کریمی (۱۹۹۷)، سمایی (۱۳۷۹)، طباطبایی (۱۳۸۱) و (۱۳۸۲)، صادقی (۱۳۸۳) و خباز (۱۳۸۶) اشاره کرد.

۳- فرایند ترکیب در زبان راجی

در این قسمت کلمات مرکب زبان راجی را براساس طبقه‌بندی بیستو و اسکالایس بررسی می‌کنیم.

۳-۱- کلمات مرکب تابعی

در کلمات مرکب تابعی، رابطه بین دو سازه کلمه مرکب، رابطه هسته متممی است. کلمات مرکب تابعی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۳-۱-۱- کلمات مرکب تابعی درون‌مرکز

در کلمات مرکب تابعی درون‌مرکز یک هسته معنایی وجود دارد که بار اصلی معنای کلمه مرکب را دربر می‌گیرد و مصداق کلمه مرکب همیشه زیرمجموعه‌ای از مصداق عنصر هسته می‌باشد. کلمات مرکب تابعی درون‌مرکز نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف- کلمات مرکب تابعی درون‌مرکز راست‌هسته:

در این نوع کلمات مرکب تابعی درون‌مرکز، هسته معنایی، سازه سمت راست کلمه مرکب می‌باشد. رایج‌ترین کلمات مرکب تابعی درون‌مرکز راست‌هسته در زبان راجی براساس الگوهای زیر ساخته می‌شوند:

اسم	→	اسم	+	اسم
؟enɒrbenɛ		benɛ		؟enɒr
درخت انار		درخت		انار
sowbenɛ		benɛ		sow
درخت سیب		درخت		سیب
؟ælæfjuʃ		juʃ		؟ælæf

علف	جوش	جوش ناشی از حساسیت
down	juše	به گیاهان در فصل بهار downjuše
دهان	جوش	زخم دهان
bizple	gæl	bizplegæl
بزغاله	گله	گله بزغاله
down	ʔuwn	downuwn
دهان	آوا	خمیازه
fælte	sɔt	fæltəsɔt
فتیله	ساعت	زمان کوتاه (به اندازه سوختن یک فتیله)
اسم	ستاک حال	→ اسم
ʔow	šur	ʔowšur
آب	ستاک حال شستن	آب کشیدن، آخرین مرحله شستن بدن و لباس با آب
šew	čær	šewčær
شب	ستاک حال چریدن	چریدن گوسفند در شب
lɔGe	mɔl	lɔGemɔl
لگد	ستاک حال زدن به	لگدزدن، لگدانداز
nim	res	nimres
نیمه	ستاک حال رسیدن	نیمه‌رسیده

ب- کلمات تابعی درون‌مرکز چپ‌هسته

در این نوع کلمات تابعی درون‌مرکز، سازه سمت چپ کلمه مرکب، هسته معنایی می‌باشد. رایج‌ترین کلمات مرکب تابعی درون‌مرکز چپ‌هسته در زبان راجی براساس الگوی زیر ساخته می‌شوند:

اسم	+	اسم	→	اسم		
ʔɒGɒ		dɒyi		ʔɒGɒdɒyi		
آقا		دایی		پسر دایی		
ʔɒGɒ		ʔɒmu		ʔɒGɒmu		
آقا		عمو		پسر عمو		
bib		χɒɛ		bibχɒɛ		
دختر		خاله		دختر خاله		
bib		dɒyi		bibdɒyi		
دختر		دایی		دختر دایی		
pete		ʃu		peteʃu		
پدر		شوهر		پدر شوهر		
dete		ɒmu		deteɒmu		
دختر		عمو		دختر عمو		
six		tewɛ		sixtewɛ		
سیخ		طویله	(میخ طویله)	سیخ طویله		
ʔow		down		ʔowdown		
آب		دهان		تف، آب دهان		
zæne		buʔɒ		zænebuʔɒ		
زن		بابا		زن بابا		
sɛyng		tæriG		sɛyngtæriG		
سنگ		تاریخ		سنگ قبر		
اسم	+	اسم	+	پسوند نسبت	→	اسم
sorf		ʔɒrd		on		sorfɒrdon
سفره		آرد				سفره آرد
Gæde		kɒr		ɛ		Gædekɒrɛ
نیمه		کار				نیمه کاره
nim		dær		i		nimdæri
نیمه		در				نیم‌دری، پنجره

۳-۱-۲- کلمات مرکب تابعی برون مرکز

در کلمات مرکب تابعی برون مرکز هیچ کدام از عناصر سازنده، بار معنایی اصلی را دربر ندارند و به عبارت دیگر مصداق کلمه مرکب زیرمجموعه مصداق یکی از عناصر سازنده آن نیست. رایج ترین کلمات مرکب تابعی برون مرکز در زبان راجی براساس الگوهای زیر ساخته می‌شوند:

اسم	+	اسم	→	اسم
ʔordu		mæle		ʔordumæle
اردو		ملخ		یورش ناگهانی
ʔorde		nøšdø		ʔordenøšdø
فرمان		ناشتا		دستور بیهوده
čule		čern		čulečern
چوبنازک		چراغ		آتش بازی بچه‌ها
ʔnteš		pøre		ʔntešpøre
آتش		پاره، تیکه		بچه بسیار شلوغ کار
kise		χælife		kiseχælife
کیسه		خلیفه		اموال دیگران
türke		čæm		türkečæm
مردمک		چشم		چیز بسیار ارزشمند
dombe		mør		dombemør
دم		مار		تلخ
ʔesdøxon		møʔi		ʔesdøxonmøʔi
استخوان		ماهی		بد، آزار دهنده
puse		ʔešbes		puseʔešbes
پوست		شپش		بسیار اندک
kefde		dæs		kefdedæs
کف		دست		کم
tike		pænire		tikepænire
تکه		پنیر		نرم و لطیف

χær		ʔɒrɛ		χærʔɒrɛ		
خر		آسیاب		پرکار		
zobon		mɒr		zobonmɒr		
زبان		مار		گزند، تلخ		
dombe		værɛ		dombɛværɛ		
دمبه		گوسفند		سفید و نرم		
čore		müş		čoremüş		
شاش		موش		آب کم		
nɒn		gæɒɒ		nɒngæɒɒ		
نان		گدا		تگه تگه، گوناگون		
sær		tow		særtow		
سر		تاب		گوشمالی		
peš		nɒχon		pešnɒχon		
پشت		ناخن		اندک		
čæm		ʔesbe		čæmʔesbe		
چشم		سگ		نگاه شهوت‌آمیز		
اسم	+	حرف اضافه	+	اسم	→	اسم
ʔowsɒr		sær		hɛw		ʔowsɒrsærhɛw
افسار		سر		خود		یاغی، عصیان‌گر
ʔololo		sær		ʔɒlüz		ʔololosærʔɒl
مترسک		سر		جالیز		üz
						بی‌اراده
اسم	+	اسم	+	اسم	→	اسم
ʔesbe		čɒle		bown		ʔesbečɒlebown
سگ		چاله		بام		ویلان، ولگرد
sorde		čel		pello		sordečelpello
نردبان		چهل		پله		بسیار قدبلند
borʔe		zæro		mɒr		borʔezæromɒr

برج		زهر	مار	بسیار بداخلاق
اسم	+	اسم	→	صفت
pɒ		korsi		pɒkorsi
پا		کرسی		غیر عملی، بیهوده
kɒse		χüne		kɒseχüne
کاسه		خون		بسیار سرخ
pus		χær		pusχær
پوست		خر		ضخیم، کلفت
حرف اضافه	+	ستاک حال	→	اسم
sær		endɒz		særendɒz
ابتدا		ستاک حال انداختن		فرش باریک و دراز
اسم	+	ستاک گذشته	→	اسم
bix		bæsd		bixbæsd
آخر		ستاک گذشته بستن		بن بست
nim		pæj		nimpæj
نیمه		ستاک گذشته پختن		نیمه پخته شده
اسم	+	ستاک حال	+	صفت
čulæ		ɣende	+	čen
چوب نازک		در اینجا	+	ستاک حال چیدن
			→	čulændečen
				وسوسه گر
اسم	+	صفت	→	صفت
mɒ		mærde		mɒmærde
مادر		مرده		(محصول جالیزی)
				نابود شده، خشک شده
اسم	+	ستاک گذشته	+	صفت
ɣow		bɒrd	+	پسوند مفعول
			ε	ɣowbɒrde

سیل آورده	ε	ستاک گذشته آوردن	آب
čerkkošte		košt	čerk
چرک مرده، چرک تاب		ستاک گذشته کشتن	چرک
اسم	→	اسم	
ʔowčær		ʔow	
مبلغی که بابت آب		آب	
خوردن گوسفندان از صاحب		ستاک حال چریدن	
گلّه گرفته			
می‌شود			
χæsilbor		bor	χæsil
علف‌بُر		ستاک حال بریدن	جو نارس
gordekeloš		keloš	gorde
دلاک، نوکر		ستاک حال خاراندان	گُرده
صفت	→	اسم	
pøbelin		pø	
پایمال شده		پا	
nimdoṛ		nim	
کهنه، قدیمی		نیمه	
særhor		sær	
اذیت کننده		سر	
pøčevermøl		pøče	
کلاه بردار		پاچه	
χpølevøres		χpøle	
فضول		ستاک حال بازرسی کردن	خاله
صفت	→	صفت	
pætehor		pæte	
لوس		پخته	
		ستاک حال خوردن	

χoš		hor		χošhor
خوش		ستاک حال خوردن		بسیار خوشمزه
pir		zɒ		pirzɒ
پیر		ستاک حال زاییدن		زاییده‌شدن از مادر پیر
kolofd		ʔendɒz		kolofdʔendɒz
کلفت		ستاک حال انداختن		طعنه‌گو
صفت	+	ستاک حال	→	اسم
kɒl		ʃuš		kɒlʃus
نارس		ستاک حال جوشیدن		غذایی از دوغ و کشک
صفت	+	ستاک حال	→	اسم
čɒr		nɒl		čɒrnɒl
چهار		نعل		چهار نعل، به سرعت
عدد	+	اسم	→	اسم
do		kɒrd		dokɒrd
دو		کارد		قیچی پشم‌چینی
se		Gæt		seGæt
سه		قد		آجر شکسته‌ای معادل سه چهارم آجر کامل
اسم	+	ستاک حال	+	پسوندها → اسم
ʔɒdem		hor		ʔɒdemhorɛ
آدم		ستاک حال خوردن		لولو، آدم‌خوار
polow		hor		polowhoro
پلو		ستاک حال خوردن		پسوندها فاعلی
χærguš		gir		on
خرگوش		ستاک حال گرفتن		پسوندها مصدری
nɒχon		čɛn		ɛ
ناخن		ستاک حال چیدن		پسوندها فاعلی
				ɛ
				پسوندها فاعلی
				nɒχončɛ
				nɛ
				قیچی

اسم	→	پسوند	+	ستاک حال	+	صفت
bermækær		ε		kær		bermæ
ε		پسوند فاعلی		ستاک حال کردن		گریه
اسم	→	پسوند	+	ستاک حال	+	صفت
deruʔɒʃen		en		ʔɒʃ		deru
دروغ‌گو		پسوند فاعلی		ستاک حال گفتن		دروغ
اسم	→	پسوند	+	ستاک حال	+	صفت
Gømgiron		on		gir		Gøm
بازی قایم‌باشک		پسوند مصدری		ستاک حال گرفتن		پنهان
اسم	→	پسوند	+	ستاک گذشته	+	قید
peškæte		ε		kæt		peš
پس‌انداز		پسوند مفعولی		ستاک گذشته افتادن		پشت

۲-۳- کلمات مرکب توصیفی

در این نوع کلمات مرکب، عنصر غیرهسته، عنصر هسته را توصیف می‌کند یعنی ویژگی از ویژگی‌های هسته را بیان می‌کند. کلمات مرکب توصیفی در دو گروه دسته‌بندی می‌شوند:

۱-۲-۳- کلمات مرکب توصیفی درون‌مرکز

در کلمات توصیفی درون‌مرکز یک هسته معنایی وجود دارد که بار اصلی معنای کلمه مرکب را دربر می‌گیرد و مصداق کلمه مرکب همیشه زیرمجموعه‌ای از مصداق عنصر هسته می‌باشد. کلمات مرکب توصیفی درون‌مرکز به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف- کلمات مرکب توصیفی درون‌مرکز راست‌هسته

در این نوع کلمات مرکب توصیفی درون‌مرکز، هسته معنایی، سازه سمت راست کلمه مرکب می‌باشد و رایج‌ترین کلمات مرکب توصیفی درون‌مرکز راست‌هسته در زبان راجی براساس الگوهای زیر ساخته می‌شوند:

صفت	+	اسم	→	اسم
kole		duwɔr		kolɛduwɔr
کوتاه		دیوار		دیوار کوتاه
mɔ		gɔ		mɔgɔ
ماده		گاو		ماده‌گاو
صفت	+	اسم	→	صفت
tɔʃɛ		ʔɔrüse		tɔʃɛʔɔrüse
تازه		عروس		تازه عروس
tɔʃɛ		zomɔ		tɔʃɛzomɔ
تازه		داماد		تازه داماد
kole		dom		kolɛdom
کوتاه		دم		دم کوتاه
gændɛ		mɔ		gændɛmɔ
گند		ماه		ماه مرداد

ب- کلمات مرکب توصیفی درون مرکز چپ‌هسته

در این نوع کلمات مرکب توصیفی درون مرکز، هسته معنایی، سازه سمت چپ کلمه مرکب است. متداول‌ترین کلمات مرکب توصیفی درون مرکز چپ‌هسته در زبان راجی براساس الگوهای زیر ساخته می‌شود:

اسم	+	صفت	→	اسم	
χærɔbe		kɛwne		χærɔbekɛwne	
خرابه		کهنه		ویرانه کهن	
hændone		ʔɛʃgɔri		hændoneʔɛʃgɔri	
هندوانه		راه‌راه		هندوانه محبوبی	
اسم	+	صفت	+ -ɛ پسوند	→	اسم
ʔælæf		nærm		ʔælæfnærme	
علف		نرم		نوعی علف باغی	

kɔlək	süz	kɔləksüzε
خرزبه	سبز	خرزبه نارس
čule	hošge	čulehošge
چوب نازک	خشک	چوب نازک خشک

۳-۲-۲- کلمات مرکب توصیفی برون‌مرکز

در کلمات مرکب توصیفی برون‌مرکز هیچ‌کدام از عناصر سازنده، بار معنایی اصلی را دربر ندارند. رایج‌ترین این کلمات مرکب براساس الگوهای زیر ساخته می‌شوند:

اسم	+	صفت	→	صفت
sær		seyngin		særseyngin
سر		سنگین		بی‌اعتنا
dom		boride		domboride
دُم		بریده		فریب‌کار
χær		rüt		χærrüt
خر		برهنه		ورشکسته
gusæle		mønælešde		gusælemønælešde
گوساله		مادرنلیسیده		تربیت‌نشده، خوب رشد نکرده
kærge		kur		kærgekur
مرغ		کور		ناتوان
kærge		χpdɔro		kærgeχpdɔro
مرغ		تخم‌دار		بی‌قرار
pɔče		pɔre		pɔčepɔre
پاچه		پاره		بداخلاق
čæm		?esbid		čæm?esbid
چشم		سفید		خیره‌سر
müş		mærde		müşmærde
موش		مرده		مرموز

اسم	+	صفت	→	اسم
beze		gæro		bezegæro
بُز		گر		آدم بد
kærge		seyɒ		kærgeseyɒ
مرغ		سیاه		چیز باارزش
ʔærGæb		zærde		ʔærGæbzærde
عقرب		زرد		آدم بد اخلاق
ʔesbe		čɒrčæm		ʔesbečɒrčæm
سگ		چهارچشم		آدم پرخاشگر
püle		sür		pülesür
پول		سرخ		رنگ آتش کاملاً سرخ شده
χɒle		gerdenderɒz		χɒlegerdenderɒz
خاله		گردن‌دراز		واسطه
صفت	+	اسم	→	اسم
šur		dogme		šurdogme
شور		دکمه		(گیاه) سلمه
seyɒ		pus		seyɒpus
سیاه		پوست		نوعی طالبی
gærm		ʔuwe		gærmuwe
گرم		آب		گرمابه
særd		ʔow		særdow
سرد		آب		سرداب
اسم	+	اسم	→	صفت
ʔešgæm		χers		ʔešgæmχers
شکم		خرس		پرخور
tir		šɒχ		tiršɒχ
تیر		شاخ		(بز) دارای شاخ‌های کمانی تیز

	صفت	+	اسم	→	صفت
	sowzæ		bæχt		sowzæbæχt
	سبز		بخت		خوشبخت
	χoš		tüm		χoštüm
	خوش		تخم		داری نژاد خوب
اسم	صفت	+	پسونده مفعولی - ε	→	صفت
gerden	hemærde				gerdenhemærde
گردن	ستاک گذشته شکستن				پشیمان
	اسم	+	اسم	→	اسم
	ʔowle		düm		ʔowledüm
	آبله		صورت		آبله‌رو
اسم	صفت	+	پسونده مفعولی - ε	→	صفت
benε	hošg				benεhošgε
بوته	خشک				نایاب شدن چیزی
Guʔo	sowz				Guʔosowz
قبا	سبز				(پرنده) سبزه قبا
tir	sür				tirsür
تیغ	سرخ				ترنجبین

۳-۳- کلمات مرکب همپایه

کلمات مرکب همپایه ترکیبی از دو سازه هستند که هر دو هسته می‌باشند.

۳-۳-۱- کلمات مرکب همپایه درون‌مرکز

در کلمات مرکب همپایه درون‌مرکز دو هسته معنایی وجود دارد، به عبارت دیگر مصداق کلمه مرکب می‌تواند زیرمجموعه‌ای از مصداق هر یک از عناصر سازنده باشد.

این نوع کلمات مرکب خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - کلمات مرکب همپایه هم‌زمان

مصداق کلمات مرکب همپایه هم‌زمان برابر با مصداق هر یک از سازه‌های سازنده آن می‌باشد و متداول‌ترین این کلمات مرکب در زبان راجی براساس الگوهای زیر ساخته می‌شوند:

اسم	+	اسم	→	اسم		
soddæ		mærg		soddæmærg		
سرماخوردگی		مرگ		مرگ حاصل از سرماخوردگی		
اسم	+	عنصر پیوندی 0	+	اسم	→	اسم
bɒd				tifon		bɒdotifon
باد				طوفان		باد شدید همراه با گردوغبار
šæl				šit		šælošit
شل				فلج		شل و فلج
		صفت	+	صفت	→	صفت
		seyɒ		sote		seyɒsote
		سیاه		سوخته		سیاه و سوخته‌شده

ب - کلمات مرکب همپایه آمیزشی

مصداق کلمات مرکب همپایه آمیزشی برابر با آمیزه یا ترکیبی از مصداق‌های عناصر سازنده آن می‌باشد. این نوع کلمات مرکب در زبان راجی براساس الگوی زیر ساخته می‌شوند:

اسم	+	عنصر پیوندی 0	+	اسم	→	اسم
čɒr				ču		čɒroču
شاخه‌درخت				چوب		چوب‌های شاخه‌درخت
اسم	+		+	اسم	→	اسم
ʔɒš				du		ʔɒšdu
آش				دوغ		آش دوغ

lɛw	gæzɛ	lɛwgæzɛ
لب	گاز	لب‌گزیدن

۳-۲-۳ - کلمات مرکب همپایه برون‌مرکز

در کلمات مرکب همپایه برون‌مرکز، هیچ‌کدام از عناصر سازنده هسته معنایی کلمه مرکب نمی‌باشند و مصداق کلمه مرکب متفاوت از مصداق عناصر سازنده است. کلمات مرکب همپایه برون‌مرکز به سه گروه تقسیم می‌شوند:

الف - کلمات مرکب همپایه برون‌مرکز رابطه‌ای

این نوع کلمات مرکب همپایه رابطه بین عناصر سازنده کلمه مرکب را نشان می‌دهند. کلمات مرکب همپایه برون‌مرکز رابطه‌ای در زبان راجی براساس الگوی زیر ساخته می‌شوند:

اسم	+	اسم	+	پسوند i	→	اسم
berɒr		fɒkɛ				berɒrfɒkɛʔi
برادر		خواهر				برادرخواهری

ب - کلمات مرکب همپایه برون‌مرکز عطفی

کلمات مرکب همپایه برون‌مرکز عطفی، عطف بین عناصر سازنده را نشان می‌دهند. این نوع کلمات مرکب در زبان راجی براساس الگوهای زیر ساخته می‌شوند:

اسم	+	اسم	→	اسم
ʔow		čæpɒG		ʔowčæpɒG
آب		چپق		استراحت (آب‌خوردن و چپق کشیدن)
pɒ		bɒle		pɒbɒle
پا		بیل		فشار پا بر بیل
dæs		ʔow		dæsʔow
دست		آب		شنا
seyng		ʔow		seyngow

سنگ	آب	کوزه بزرگ
sær	huʔo	særhuʔo
سر	هوا	حالت سرماخوردگی
ʔow	tow	ʔowtow
آب	تاب	آب و تاب، اغراق
اسم + be	اسم + عنصر پیوندی	قید →
dæGGæ	sɔt	dæGGæbesɔt
دقیقه	ساعت	لحظه به لحظه
pɔ	mɔh	pɔbemɔh
پا	ماه	زمان نزدیک زاییدن
اسم + o	اسم + عنصر پیوندی	اسم →
six	sexændon	sixosexændon
سیخ	سپها	لوازم ضروری زندگی
ʃir	bɔlɔ	ʃirobɔlɔ
زیر	بالا	اسهال و استفراغ
doz	gorg	dozogorg
دزد	گرگ	دزدهای فراوان
dæs	down	dæsodown
دست	دهان	توان مالی
dæs	del	dæsodel
دست	دل	حال و حوصله
rɔ	čɔ	rɔʔočɔ
راه	چاه	چاره
kɔr	bɔr	kɔrobɔr
کار	بار	اوضاع زندگی
صفت + o	صفت + عنصر پیوندی	صفت →
sür	seyɔ	süroseyp

سرخ	سیاه	شرمنده
χæsde	mærde	χæsdemærde
خسته	مُرده	بسیار خسته
اسم + اسم	اسم + ε - پسوندنسبت	اسم →
ʔow	du	ʔowduʔe
آب	دوغ	دوغاب
صفت + صفت	صفت + ε - پسوندنسبت	صفت →
seyɒ	sowz	seyɒsowzε
سیاه	سبز	(چهره) کمی سیاه
اسم + اسم	اسم + on - پسوند مصدری	اسم →
sær	ʔükon	særükon
سر	گوشه	نگاه کردن مخفیانه

ج - کلمات مرکب همپایه برون مرکز فصلی

کلمات مرکب همپایه برون مرکز فصلی در زبان راجی براساس الگوهای زیر ساخته می‌شوند:

صفت + عنصر پیوندی D + صفت	→	قید
dir	zü	dirɒzü
دیر	زود	به‌همین زودی

اسم + عنصر پیوندی O + اسم	→	اسم
χæyr	šeyr	χæyrošeyr
خیر	شر	استخاره

۴ - نتیجه‌گیری

در این مقاله پس از ارائه تعاریف مختلف از فرایند ترکیب و کلمه مرکب و ارائه معیارهایی برای شناسایی کلمه مرکب، به طبقه‌بندی کلمات مرکب در زبان راجی

براساس طبقه‌بندی بیستو و اسکاليس پرداختيم. براساس اين طبقه‌بندی، کلمات راجی را در سه گروه تابعی، توصیفی و همپایه و هر گروه را در دو دسته برون‌مرکز و درون‌مرکز و هر دسته درون‌مرکز را براساس راست‌هسته یا چپ‌هسته بودن تقسیم‌بندی کردیم. بررسی داده‌ها نشان داد که فرایند ترکیب، فرایند واژه‌سازی بسیار زیاده در زبان راجی می‌باشد و انواع مختلف کلمات مرکب براساس طبقه‌بندی بیستو و اسکاليس در اين زبان به‌وفور یافت می‌شوند.

منابع

- پیوندی، فربیا (۱۳۷۳). بررسی ساخت‌واژی گویش دلیجان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حجّت‌الله طالقانی، آزیتا (۱۳۷۵). بررسی برخی افعال مرکب زبان فارسی در چارچوب فرضیه انتقال وابسته. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- خبّاز، مجید (۱۳۸۶). جایگاه هسته در کلمات مرکب غیر فعلی فارسی. دستور، ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان، شماره سوم، ۱۵۳-۱۶۶.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶). فعل مرکب در زبان فارسی. زبان‌شناسی، سال ۱۲، شماره اول و دوم، ۴۶-۲.
- سامعی، حسین (۱۳۷۵). واژه‌سازی در زبان فارسی. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- سمایی، سید مهدی (۱۳۷۹). پردازش فعل مرکب. زبان‌شناسی، سال ۱۵، شماره ۲، ۱۸-۴۴.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۳). کلمات مرکب ساخته شده با ستاک فعل. دستور، جلد ۱، شماره ۱، ۱-۱۱.
- صفری، حسین (۱۳۷۳). واژه‌نامه راجی. تهران: نشر بلخ.
- (۱۳۸۷). داستان‌ها و زبانزدهای دلیجان. تهران: نشر بلخ.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۱). بررسی اسم و صفت مرکب در زبان فارسی. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- (۱۳۸۲). اسم و صفت مرکب در زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Bisetto, A. and S. Scalise (2005). The Classification of Compounds. *Lingue E Linguaggio*, 4(2), 319-332.
- Barjaste, D. (1983). *Morphology, Syntax and Semantics of Persian Compound Verbs: A Lexicalist Approach*. Ph.D Dissertation Urbana: University of Illinois.
- Faab, N. (1988). English Suffixation is Constrained Only by Selectional Restriction. *Natural Language and Linguistic Theory*, 6, 527-539.
- Karimi, S. (1997). Persian Complex Verbs: Idiomatic or Compositional? *Lexicology*, 3, 273-318.
- Katamba, F. and J. Stonham (2006). *Morphology*. New York: Palgrave Macmillan.
- Lieber, R. (1983). Argument Linking and Compounds in English. *Linguistic Inquiry*, 14, 251-286.
- (2010). *Introducing Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lieber, R. and P. Štekauer (2009). *The Oxford Handbook of Compounding*. Oxford: Oxford University Press.
- Selkirk, E. (1982). *The Syntax of Word*. Cambridge: MIT Press.
- Tehranisa, S. A. (1987). *A Syntactic and Semantic Analysis of Compound Nouns in Persian*. Ph.D Dissertation, University of Michigan.
- Tenhacken, P. (1999). Motivated Test for Compounding. *Acta Linguistica Hafniensia*, 31, 27-58.
- Williams, E. (1981). On the Notions 'Lexically Related' and 'Head of a Word'. *Linguistic Inquiry*, 12, 245-274.